

فرهنگ واژه‌های روان‌شناسی اجتماعی

فرهنگ واژه‌های روان‌شناسی اجتماعی

تألیف

دکتر مجید صفاری نیا

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه پیام نور

پرستو حسن‌زاده



<p>سرشناسه: صفاری‌نیا، مجید، ۱۳۴۵. عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ واژه‌های روانپزشکی اجتماعی / تألیف: مجید صفاری‌نیا، پرستو حسن‌زاده. مشخصات نشر: تهران: کتاب ارجمند ، ۱۳۹۱. مشخصات ظاهری: ۱۹۲ ص، قطع: وزیری شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰-۱۹۸-۶ وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا موضوع: روان‌شناسی اجتماعی - واژه‌نامه‌ها - فارسی، زبان انگلیسی - واژه‌نامه‌ها -- فارسی شناسه افزوده: حسن‌زاده، پرستو، ۱۳۵۸. رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۴ف۷ص/ HM۴۲۵ رده‌بندی دیویی: ۳۰۱/۰۳ شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۵۹۶۰۶</p>	<p>دکتر مجید صفاری‌نیا، پرستو حسن‌زاده فرهنگ واژه‌های روان‌شناسی اجتماعی فروست: ۷۲۱ ناشر: انتشارات کتاب ارجمند صفحه‌آرا: معصومه دلنواز طراح جلد: احسان ارجمند چاپ: سامان ، صحافی: روشنگ چاپ اول، بهمن ۱۳۹۱ ، ۱۱۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۰۰-۱۹۸-۶ www.arjmandpub.com این اثر، مشمول قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هر کس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه مؤلف، ناشر، نشر یا پخش یا عرضه کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.</p>
---	--

مرکز پخش: انتشارات ارجمند

- دفتر مرکزی: تهران بلوار کشاورز، بین خ کارگر و ۱۶ آذر، پلاک ۲۹۲، تلفن ۸۸۹۷۷۰۰۲
شعبه اصفهان: خیابان چهارباغ بالا، پاساژ هزارجریب، تلفن ۶۲۸۱۵۷۴-۳۱۱
شعبه مشهد: ابتدای احمدآباد، پاساژ امیر، انتشارات مجد دانش، تلفن ۸۴۴۱۰۱۶-۵۱۱
شعبه بابل: خ گنج افروز، پاساژ گنج افروز، تلفن ۲۲۲۷۷۶۴-۱۱۱
شعبه رشت: خ نامجو، روبروی ورزشگاه عضدی، تلفن ۳۲۳۲۸۷۶-۱۳۱
شعبه ساری: بیمارستان امام، روبروی ریاست تلفن ۹۱۱۸۰۲۰۹۰

بها: ۷۵۰۰ تومان

پیشگفتار

تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی امروز کشور ما، ایران، توسعه و گسترش علم روان‌شناسی اجتماعی در کشور را ضروری ساخته است. از این رو، تلاش برای تألیف و ترجمه کتابهای روان‌شناسی اجتماعی در کشور نه تنها رضایتمندی نویسندگان و مترجمان را در پی دارد، بلکه به تحقق این هدف نیز کمک می‌کند. فرهنگ واژه‌های روان‌شناسی اجتماعی با هدف کمک به مترجمان و مؤلفان کتابهای حوزه روان‌شناسی اجتماعی تدوین شده است. در گردآوری این کتاب از کتب مرجع انگلیسی نظیر روان‌شناسی اجتماعی مایرز، راجرز، بامیستر و بوشمن، برم و کازین، فرانزول و ... استفاده شده است. در معادلسازی واژه‌ها سعی شده از نظر مدرسان، صاحب‌نظران و مؤلفان مجرب و صاحب‌نام بهره‌گرفته و مناسب‌ترین واژگان فارسی انتخاب شوند.

امید است اثر حاضر مورد توجه علاقه‌مندان این رشته قرار گیرد. بدیهی است که اشکالات موجود در متن از نگاه دقیق خواننده دور نخواهد ماند. بدین وسیله از کلیه خوانندگان محترم می‌خواهیم پیشنهادات اصلاحی خود را مطرح کنند. در پایان لازم می‌دانیم از جناب آقای دکتر محسن ارجمند، مدیر محترم انتشارات ارجمند برای نظارت و چاپ این اثر سپاس و قدردانی نماییم.

دکتر مجید صفاری نیا - پرستو حسن زاده

تابستان ۱۳۹۱

A, a

abduction

قیاس

یک شیوه پژوهشی یا به عبارت دیگر منطق پژوهش است که فرضیه‌ها از طریق تعیین، جستجو و تبیین ناهنجاری‌ها یا داده‌هایی که با نظریه‌های رایج تناسب ندارند، ایجاد می‌شوند.

A-B problem

مشکل A-B

مشکل ناهمخوانی و ناهماهنگی بین نگرشها (A) و رفتارها (B) نامیده می‌شود.

ABC triad

سه وجهی ABC

سه عنصری است که در تعریف روان‌شناسی اجتماعی و سایر تعاریف دیگر روان‌شناسی اهمیت دارد و شامل عاطفه (احساس درونی افراد)، رفتار (نحوه عملکرد افراد) و شناخت (نحوه تفکر افراد) است.

above-average effect

اثر بالاتر از میانگین

تمایل افراد به بالاتر از میانگین درجه بندی کردن خود از نظر صفات اجتماعی مثبت.

abusive supervision

سرپرستی بدرفتارانه

رفتاری که در آن سرپرستان و مدیران رفتارهای کلامی و غیرکلامی خصمانه را مکرراً متوجه زیردستان خود می‌کنند.

acceptance پذیرش
یک نوع هم‌رنگی که شامل رفتار و اعتقاد افراد، مطابق با فشار اجتماعی است.

accessibility دسترسی پذیری
در شناخت اجتماعی و حافظه مطرح می‌شود و عبارت است از چگونگی آسان به خاطر آوردن چیزها.

account بازگویی
اصطلاحی فنی در تحلیل مکالمه و توجیه یا تبیین قانونی مورد تأیید فرهنگ یا رفتار کردن به شیوه خاصی است.

acculturation فرهنگ‌پذیری
سازگاری فرد با اجتماع و فرهنگی که در آن زندگی می‌کند. این سازش در جریان هم‌رنگی، تقلید، قانون و ... روی می‌دهد.

action identification theory نظریه همانندسازی عمل
نظریه‌ای که معتقد است تفسیر ما از رفتارمان با عبارات سطح بالا یا سطح پایین، مبنای ادراک خویشتن ما را تشکیل می‌دهد.

active aggression پرخاشگری فعال
آزار رساندن به سایرین با انجام یک رفتار هدفمند (مثلاً، پخش شایعه‌های نادرست).

actor-observer effect اثر بازیگر-مشاهده‌گر
تمایل به اسناد دادن رفتار خود به عوامل موقعیتی (بیرونی) و اسناد دادن رفتار دیگران به علل درونی (گرایشی).

adaptation-level phenomenon پدیده سطح سازگاری
تمایل به سازگار شدن با سطح معینی از برانگیختگی و توجه کردن و واکنش نشان دادن به تغییرات حاصل از آن سطح است.

adaptive management

مدیریت انطباقی

رویکرد یادگیری محور درباره مدیریت نظامهای اجتماعی و طبیعی که بر اشتغال عمدی کارگزاران، اهداف روشن، نظارت و جمع آوری داده و تلاشهای مکرر برای پیگیری و تحقق یا تغییر اهداف و انتخابهای مدیریتی تأکید می‌کند.

adaptive response

پاسخ انطباقی

هر ویژگی جسمی یا گرایش رفتاری که احتمال موفقیت تولیدمثل را برای یک فرد یا برای افراد دیگر با ژنهای مشابه افزایش می‌دهد.

addiction

اعتیاد

وابستگی زیستی به مواد و مصرف روزانه مواد که برای ارگانسیم مضر است.

additive tasks

تکالیف افزودنی

تکالیفی که محصول گروهی برای آنها حاصل جمع یا ترکیب تلاشهای تک تک اعضاست.

adversarial model

مدل خصمان

یک سیستم حل نزاع که در آن پیگرد قانونی و دفاع در تضاد با یکدیگر هستند، به طوری که هرکدام از آنها وجهی از ماجرا را نشان می‌دهند.

advertisement wear-out

کهنه شدن تبلیغات

بی توجهی و تحریکی که پس از مواجه شدن یک مستمع با همان تبلیغات روی می‌دهد. به عنوان مثال وقتی افراد مدت‌های مدید به یک تبلیغ توجه می‌کنند موضوع یا کالای تبلیغ شده اهمیت خود را از دست می‌دهد و مخاطبین به آن عادت می‌نمایند.

affect

عاطفه

یک اصطلاح کلی برای توصیف فرآیندهای روانی و ذهنی است که دربرگیرنده احساسی نظیر یک تجربه هیجانی یا خُلق می‌باشد.

affect-as-information hypothesis عاطفه به عنوان فرضیه اطلاعاتی
نظریه‌ای که معتقد است افراد، خوب یا بد بودن چیزها را با پرسیدن اینکه «چه احساسی درباره آن دارم؟» مورد قضاوت قرار می‌دهند.

affect balance تعادل عاطفه
کسر کردن فراوانی هیجانهای مثبت از فراوانی هیجانهای منفی.

affect-centered model of attraction الگوی عاطفه محور جذابیت
چهارچوبی مفهومی که در آن فرض بر این است که جذابیت مبتنی بر هیجانهای مثبت و منفی است. این هیجانها می‌توانند مستقیماً به وسیله شخص دیگر برانگیخته شده یا صرفاً با آن شخص تداعی شوند. انگیزندگی هیجانی همچنین می‌تواند به وسیله فرآیندهای شناختی شدت یافته یا تخفیف یابد.

affect-infusion model الگوی عاطفه-القاء
نظریه‌ای که معتقد است عاطفه افراد بسته به نوع استدلالی که به کار می‌برند بر قضاوتشان اثر می‌گذارد.

affective forecasting پیش بینی عاطفی
توانایی پیش بینی کردن واکنشهای هیجانی فرد نسبت به رویدادهای آینده است.

affiliation پیوندجویی
عبارت است از تمایل یا انگیزش فرد برای همراهی با سایرین علیرغم احساسی که نسبت به آنها دارد. این مفهوم در نظریه هویت اجتماعی اشاره به همانندسازی با یک درون گروه دارد.

affordance بضاعت
شرایط و ویژگیهای موقعیت برای برطرف کردن نیازهای فرد یا حمایت از یک الگوی رفتاری؛ تناسب بین نیاز ادراک شده و واقعیت فیزیکی.

۱۱) *(agent self (executive function)*

agent self (executive function) خود عامل (عملکرد اجرایی)

منظور بخشی از خود است که در کنترل بر سایرین و خودکنترلی افراد دخالت دارد.

aggression پرخاشگری

رفتاری است که از سوی فرد به قصد آسیب رساندن به دیگری انجام می‌شود.

alpha strategies راهبردهای آلفا

تلاش برای متقاعد کردن دیگران با افزایش دادن نیروهای مجذوب کننده است.

altruism نوع دوستی

منظور رفتاری است که به وسیله دلسوزی غیرخودخواهانه برای رفاه دیگران برانگیخته می‌شود. این واژه مترادف با رفتار جامعه پسند است.

altruistic helping کمک رسانی نועدوستانه

این رفتار هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد کمک رسان درصدد افزایش رفاه فرد دیگر است بدون آنکه انتظار جبران آن را داشته باشد.

altruistic personality شخصیت نوع دوست

ترکیبی از متغیرهای گرایشی همراه شده با رفتار جامعه پسند است. اجزاء آن عبارتند از همدلی، باور به جهان عادل، پذیرش مسئولیت اجتماعی، داشتن مکان کنترل درونی و خودمدار نبودن.

altruistic punishment تنبیه نועدوستانه

منظور انجام رفتاری است در شرایط خاص که نشان می‌دهد افراد گاهی اوقات با تنبیه کسانی که در سیستم تقلب می‌کنند از منافع خود به خاطر بهبود وضع سایرین می‌گذرند.

ambient environment محیط پیرامون

محیط حسی انسان شامل دما، بو و صدا.

ambivalent racial attitudes نگرشهای نژادی دوگانه
احساسهای همزمان مثبت و منفی درباره یک گروه اقلیت.

analytics علم تجزیه و تحلیل
راهبردها و روشهای تفسیر و تحلیل داده‌ها.

anchoring and adjustment heuristic اکتشاف نقطه آغاز (مرجع یابی) و تنظیم
اکتشافی که شامل تمایل به استفاده از یک عدد یا مقدار به عنوان نقطه آغاز است که بعد تنظیمهایی روی آن انجام می‌شود.

anger خشم
پاسخ هیجانی به یک تهدید یا تحریک واقعی یا خیالی.

angry aggression پرخاشگری خشم آلود
رفتار است هیجانی و تکانشی که صرفاً به قصد آسیب رساندن به دیگری صورت می‌گیرد.

anthropocentrism انسان محوری (انسان مداری)
نظریه‌ای است ارزش محور در روان شناسی که بهزیستی انسانها را در اولویت قرار می‌دهد.

anthropolinguistics زبان شناسی انسانی
علم مطالعه فرهنگ همراه با بررسی زبان آن.

anthropology انسان شناسی
علم مطالعه فرهنگ انسانی شامل ارزشهای مشترک، باورها و شیوه عمل گروهی از افراد.

antisocial behavior رفتار ضداجتماعی
رفتاری که به ارتباطات میان فردی آسیب می‌رساند و به لحاظ فرهنگی ناخوشایند است.

appearance anxiety اضطراب وضع ظاهر
دلواپسی یا نگرانی شخص درباره اینکه ظاهر جسمانی وی مناسب است یا نه و درباره احتمال واکنش منفی دیگران نسبت به آن دچار اضطراب است.

applied behavioral analysis تحلیل رفتاری کاربردی
رویکردی درباره ترویج رفتار پایدار که توسط اسکات گلر مطرح شده و شامل سه اصل اساسی است: تمرکز بر رفتار قابل مشاهده، توجه به عوامل بیرون و عدم توجه به عوامل درونی در بهبود عملکرد و بهره‌گیری از اصول تقویت رفتاری.

applied research پژوهش کاربردی
پژوهشی که هدف آن افزایش فهم ما درباره رویدادهای طبیعی یا کشف راه‌های برای مشکلات کاربردی است.

appraisal motive انگیزه ارزیابی
میل ساده به دانستن حقیقت درباره خود.

appraisals ارزیابی‌ها
نحوه تفکر درباره موقعیت یا رویداد.

approach strategies راهبردهای رویکرد (جاذب)
جهت‌گیری عمومی مقابله است که در آن شخص با عامل تهدیدکننده مستقیماً مواجه می‌شود و سعی می‌کند آن را کاهش داده یا حذف نماید.

aptitude استعداد
ظرفیت و آمادگی که تابع ژنتیک است و بالقوه در افراد وجود دارد.

arbitration**حکمیت**

یکی از بهترین شیوه‌های حل تعارض است و توسط سوم شخص بی‌طرفی انجام می‌شود که هر دو طرف را در نظر می‌گیرد و بین آنها توافق ایجاد می‌کند.

arousal**برانگیختگی**

سطح فعالسازی یا تهییج فیزیولوژیکی یک ارگانسم.

arousal-affect model**مدل برانگیختگی - عاطفه**

مدلی که معتقد است ابراز پرخاشگری تحت تأثیر شدت برانگیختگی و نوع هیجان ایجاد شده توسط یک محرک قرار دارد.

arousal: cost-reward model**الگوی برانگیختگی: هزینه - پاداش**

الگویی که معتقد است آشفتگی فرد دیگر موجب برانگیختگی فیزیولوژیکی در فرد مشاهده کننده می‌شود که به نوبه خود فرآیند تصمیم گیری برای کمک را به راه می‌اندازد.

associative networks**شبکه‌های ارتباطی**

اصطلاحی در شناخت اجتماعی است که شیوه سازماندهی معنادار ارتباط بین طبقات را توصیف می‌کند.

assumed similarity**شباهت فرضی**

وقتی میزان اعتقاد دو فرد به شبیه بودن نگرشها، باورها و ارزشهای خاصشان به یکدیگر در مقایسه با میزان شباهت واقعی آنها قرار می‌گیرد.

assumptive world**دنیای فرضی**

دیدگاهی که معتقد است افراد در دنیای اجتماعی مبتنی بر باورهای خاص (مفروضه‌ها) درباره واقعیت زندگی می‌کنند.

attachment style**سبک دلبستگی**

میزان امنیتی که در یک رابطه میان فردی تجربه می‌شود. سبکهای دلبستگی مختلف در آغاز در تعامل بین نوزاد و مراقب او و به هنگام کسب نگرشها درباره خودارزشمندی

و اعتماد متقابل از سوی کودک شکل می‌گیرند.

نظریه دلبستگی attachment theory

نظریه ای است درباره پیوند هیجانی بین کودکان و مراقبان آنها که معتقد است افراد بر اساس پیوندهایی که با مراقبان خود دارند یا سبک دلبستگی ایمن و اجتنابی یا سبک دلبستگی مضطرب-دوسوگرا را رشد می‌دهند. این سبک دلبستگی، ظرفیت فرد را برای روابط دوران بزرگسالی و نیز جنبه‌های دیگر زندگی او نظیر تعهد نسبت به کار تحت تأثیر قرار می‌دهد.

توجه attention

آنچه هشیاری را اشغال می‌کند؛ یا به تمرکز ذهنی فرد در یک زمان مشخص اتلاق می‌شود.

نظریه تجدید توجه attention restoration theory

نظریه‌ای که معتقد است ظرفیت توجه متمرکز (ارادی) به انتها می‌رسد و برای مدت زمانی توسط توجه (غیرارادی) به محرکهای جذاب احتمالاً تجدید می‌شود.

نگرش attitude

ارزشیابی جنبه‌های مختلف دنیای اجتماعی است و به سه عنصر شناختی، عاطفی و تمایل به عمل تقسیم می‌شود.

دسترسی پذیری نگرش attitude accessibility

سهولت به خاطر آوردن یک نگرش و آوردن آن به سطح هشیاری.

شیء نگرش attitude object

هر چیزی که شخص می‌تواند نگرش خود را نسبت به آن ابراز کند؛ مثلاً، در نگرش مثبت یا منفی به یک هنرمند بازیگر، هنرمند موضوع نگرش است.

قطبی سازی نگرش attitude polarization

یافته‌ای که نشان می‌دهد هنگامی که افراد به نگرشهای خود فکر می‌کنند، این نگرشها

قوی تر می شود.

attitude similarity

شباهت نگرش

میزان یکسان بودن نگرشهای دو فرد درباره موضوعهای مختلف. این اصطلاح در عمل به شباهت باورها، ارزشها و علایق نیز اطلاق می شود.

attitude-to-behavior process model

الگوی پردازش از نگرش به رفتار

الگویی درباره اینکه نگرشها چگونه رفتار را هدایت می کنند. این الگو بر تأثیر نگرشها و دانش ذخیره شده درباره اینکه در یک موقعیت مفروض چه چیزی در تعریف فرد از موقعیت فعلی مناسب است، تأکید دارد. این تعریف، به نوبه خود بر رفتار آشکار اثر می گذارد.

attraction

جذابیت

هر آنچه که دو یا تعداد بیشتری از افراد را به سوی یکدیگر می کشاند، آنها را وادار به ماندن در کنار یکدیگر می کند و احتمالاً ارتباطات طولانی مدت را شکل می دهد.

attractiveness

جاذبه

اصطلاح مورد استفاده در نظریه گروه که ربطی به جذابیت جسمانی ندارد و درباره اعضاء گروهی است که پیوندهای دوست داشتنی و پیوستگی با سایر اعضاء گروه را گسترش می دهند.

attribute ambiguity

ابهام اسناد

شرایطی که در آن علت‌های رفتار آشکار نیستند و نمی توان دلایل بروز یک رفتار را مشخص کرد.

attribution

اسناد

فرآیندی که از طریق آن درصدد برمی آیم تا علل رفتار دیگران را مشخص کنیم و درباره صفات ثابت و گرایشهای آنها اطلاعاتی به دست آوریم.

attribution cube مکعب اسناد
نوعی نظریه اسناد است که سه نوع اطلاعات را به کار می‌گیرد: توافق، همسانی و تمایز.

attribution theory نظریه اسناد
نظریه‌ای است که علل رویدادهایی را که برای خود شخص یا دیگران اتفاق می‌افتد توضیح می‌دهد. با استفاده از اسنادها افراد علت رفتارهای دیگران را به عوامل درونی یا بیرونی نسبت می‌دهند.

audience حاضران
اصطلاحی است که در مطالعات نفوذ اجتماعی برای توصیف افراد مشاهده‌کننده رفتار مورد مطالعه به کار می‌رود.

audience inhibition بازداری حاضران
بی میلی فرد برای کمک کردن به علت ترس از ایجاد سوء برداشت در مشاهده‌گران.

augmenting principle اصل افزایش‌دهندگی
تمایل به انتساب اهمیت بیشتر به یک علت بالقوه رفتار، اگر آن رفتار علی رغم حضور علل بازدارنده دیگر باز هم رخ دهد.

authentic dissent مخالفت اصیل (واقعی)
فنی برای بهبود بخشیدن کیفیت تصمیم‌های گروهی که در آن یک یا بیش از یک عضو گروه فعالانه با ترجیح‌های اولیه گروه مخالفت می‌کند، بدون اینکه به این نقش گمارده شده باشد.

authoritarianism اقتدارطلبی
جهت‌گیری بینهایت محترمانه نسبت به آنهایی که مرجع قدرت هستند همزمان با نگرش قاطع و خصومت آمیز نسبت به افراد فرودست.

autokinetic phenomenon پدیده حرکت خودزاد
حرکت ظاهری یک نقطه نورانی ساکن در تاریکی.

automaticity خودکاری
پردازش اطلاعات بدون آن که کنترل هشیار روی دهد.

automatic affect عاطفه خودکار
پاسخ سریع دوست داشتن یا دوست نداشتن نسبت به چیزی.

automatic egotism خودخواهی خودکار
پاسخ حاصل از سیستم خودکار «هر چیز خوبی از آن من است و هر چیز بدی از آن من نیست».

automatic processing پردازش خودکار
پس از تجربه فراوان با یک تکلیف یا نوعی اطلاعات، انجام آن تکلیف یا پردازش آن اطلاعات ظاهراً به شیوه ای بدون تلاش، خودکار و ناخودآگاه انجام می‌گیرد.

automatic system سیستم خودکار
بخشی از ذهن که خارج از حیطه هشیاری قرار دارد و اعمال ساده را انجام می‌دهد.

autonomy supportive environment محیط حامی خودمختاری
منظور از این اصطلاح برگرفته از نظریه خودتعیین‌گری، محیطی است که به افراد و گروه‌ها کمک می‌کند به شیوه‌های همخوان با هویت و ارزش‌هایشان عمل کنند و توسط عواملی نظیر درک همدلانه، انتخاب، شفافیت و سبک ارتباطی خودمختار تعیین می‌شود.

availability heuristic اکتشاف در دسترس بودن
راهبردی برای قضاوت کردن بر مبنای اینکه انواع خاصی از اطلاعات با چه سهولتی می‌توانند به ذهن آورده شوند.

aversive racism

نژادپرستی آزارنده

داشتن همزمان ارزشهای تساوی نگر و احساسات منفی نسبت به گروههای اقلیت.

avoidance strategies

راهبردهای اجتناب (دافع)

جهت گیری عمومی مقابله است که در آن شخص سعی می کند از پیامدهای بالقوه زیان آور یک عامل تهدیدکننده غفلت کرده یا آنها را نادیده بگیرد.

B, b

bad apple effect

اثر فرد فاسد

۱. نظریه‌ای که معتقد است فردی که قوانین را زیر پا می‌گذارد می‌تواند این عمل را به سایرین هم القاء کند. ۲. نظریه‌ای که معتقد است فرد دارای تنبلی اجتماعی می‌تواند سایر افراد را نیز به تنبلی وا دارد.

bait- and- switch

به دام انداختن و تعویض

فن جلب اطاعت که مبتنی بر تعهد است و در آن فرد، سایرین را با پیشنهادی جذاب که قابل دسترسی نیست مواجه می‌کند و سپس پیشنهاد دارای جذابیت کمتر اما قابل دسترسی را ارائه می‌دهد.

balance theory

نظریه توازن (تعادل)

فرمول بندی هایدلر و نیوکامپ که روابط زیر را مشخص می‌کند: (۱) دوست داشتن یک فرد از سوی شخص دیگر، (۲) نگرش او نسبت به یک موضوع و (۳) نگرش شخص دیگر نسبت به همان موضوع. تعادل (دوست داشتن به اضافه توافق) در یک حالت هیجانی مثبت حاصل می‌شود. بی تعادلی (دوست داشتن به اضافه عدم توافق) منجر به یک حالت منفی و تمایل به برقرار کردن تعادل می‌شود. عدم تعادل (دوست نداشتن به اضافه توافق یا عدم توافق) منجر به بی تفاوتی می‌شود.

bargaining (negotiation)

معامله (مذاکره)

فرآیندی که طی آن دو طرف مقابل، پیشنهادها، پیشنهادهای متقابل و امتیازهایی را یا به

طور مستقیم یا به وسیله نمایندگان خود رد و بدل می‌کنند.

base-rate fallacy

سفسطه نرخ پایه

یافته‌ای که نشان می‌دهد افراد نسبت به اطلاعات موافق ارائه شده در قالب نرخهای عددی پایه، نسبتاً بی تفاوت هستند.

basic research

پژوهش بنیادی

پژوهشی که هدف آن افزایش دانش و درک ما از رفتار انسان با آزمون فرضیه‌های مبتنی بر نظریه است.

basking in reflected glory (BIRGing)

آسودن در سایه شکوه

افزایش عزت نفس با پیوستن به کسانی که موفق هستند.

behavioral confirmation

تأیید رفتاری

نوعی پیشگویی خودکام بخش است که به موجب آن انتظارات اجتماعی افراد، سبب می‌شود به گونه ای رفتار کنند که مورد تأیید دیگران قرار گیرند.

behavioral medicine

طب رفتاری

یک حوزه میان رشته ای که دانش رفتاری و پزشکی درباره سلامت و بیماری را با یکدیگر ادغام کرده و به کار می‌بندد.

behavioral style

سبک رفتاری

اصطلاحی که در نظریه نفوذ گروه اقلیت موسکویسی به کار می‌رود و به توصیف ثبات یا عدم ثبات اقلیت می‌پردازد.

behaviorism

رفتارگرایی

رویکری نظری است که درصدد توضیح رفتار بر حسب قوانین یادگیری بدون اشاره به حالات درونی، افکار یا احساسات می‌باشد.

behavior setting

موقعیت رفتاری

مکان دارای ویژگیهای فیزیکی و اجتماعی که رفتار را به الگوهای نسبتاً قابل پیش بینی

مرتبط می‌کند؛ مکانی که مجموعه رفتارهای شاخص معمولاً در آن روی می‌دهند.

being-in-the-world

در جهان بودن

اصطلاحی که توسط هایدگر (۱۹۲۸/۱۹۶۲) مطرح شد تا به توصیف نحوه سرگرم شدن افراد در دنیا بپردازد. این نظریه آشکارا مدعی است که بین افراد و موقعیتها جدایی وجود ندارد و هیچ کدام بدون دیگری معنا ندارد.

belief perseverance

دوام باور

مایل به حفظ باورها حتی پس از بی اعتبار شدن آنها.

beliefs

باورها

قطعه‌های اطلاعاتی شناخت ما درباره حقایق، نظرات، اشیاء، موضوعات یا رویدادها است.

benevolent sexism

تبعیض جنسی خیرخواهانه

دیدگاهی که معتقد است زنان از جهات متعددی برتر از مردان هستند (مثلاً، بی شایسته پبله تر و دارای سلیقه بهتر) و به راستی وجودشان برای خوشبختی مردان لازم است (مثلاً، هیچ مردی واقعاً کامیاب نیست، مگر آنکه زنی را که دوست دارد در زندگی خود داشته باشد).

"Big Five" dimensions of personality

پنج بُعد بزرگ شخصیت

ابعاد اساسی شخصیت هستند که هرکس دارای چند بُعد از آن است (مثلاً، برونگرایی، توافق پذیری، روان رنجورخویی) و این صفات اغلب در رفتارهای آنان مشهود است. این نظریه توسط کاستا و مک کری ارائه شد و بر اساس آن آزمون پنج عاملی شخصیت ساخته شد.

big Q

Q بزرگ

پژوهش کیفی انجام شده درون یک رویکرد ساختارگرایی اجتماعی است که هدف آن به جای آزمون یک فرضیه، کسب بینش و درک است. هیچ تلاشی برای از پیش کدگذاری طبقات پاسخ صورت نمی‌گیرد.

bilateral symmetry **تقارن دوسویه**

شبيه بودن طرف راست و چپ بدن (یا اجزاء بدن). این تقارن در شرایط زیبایی شناختی افراد مؤثر است، مثلاً تقارن راست و چپ صورت و بدن.

biocentrism **زیست محوری (زیست مداری)**

دیدگاه ارزش محور که بهزیستی طبیعت را در اولویت قرار می‌دهد.

biological psychology **روان شناسی زیستی**

علم مطالعه رویدادها و فرایندهای درون مغز، دستگاه عصبی و سایر بخشهای بدن است.

biophilia **زیست دوستی**

به هیجان مثبت، علاقه یا تمایل به پیوندجویی با موجودات زنده اطلاق می‌شود.

biophobia **زیست هراسی**

به هیجان منفی، ترس یا هراس از موجودات زنده اطلاق می‌شود.

bio-psycho-social **زیستی - روانی - اجتماعی**

به اثرات متقابل زیست شناختی، روان شناختی و اجتماعی اطلاق می‌شود.

black sheep effect **اثر گوسفند سیاه (اثر بز گر)**

وقتی که عضوی از گروه خودی (درون گروه) به شیوه ای رفتار می‌کند که ارزش هویت گروه را تهدید می‌کند و برای حفظ هویت گروه به شدت مورد نکوهش قرار می‌گیرد.

blank lineup **به خط کردن تھی**

به خط شدنی که در آن کلیه اعضا ایستاده در صف بی گناه شناخته می‌شوند.

blind sighth **ابهام دیداری**

به کشف دیداری و پاسخ به محیط بدون هرگونه ادراک هشیار (به علت آسیب مغزی)

اتلاق می‌شود.

body language

زبان بدن

به نشانه‌هایی گفته می‌شود که به وسیله وضعیت، حالت چهره، حرکت بدن یا اجزاء بدن خود و دیگران ارائه می‌شوند.

bogus pipeline

کانال ساختگی

روشی است که قصد دارد تحریفها را در مقیاسهای خودسنجی کاهش دهد، به این ترتیب که آزمودنیها را متقاعد سازد که پژوهشگر ابزار معتبر و پایا برای فهمیدن اینکه پاسخهای درست آنها کدام است در اختیار دارد.

bona fide pipeline

کانال واقعی

فنی که از راه اندازی برای اندازه گیری نگرشهای نژادی ناآشکار استفاده می‌کند. پردازش صعودی (از پایین به بالا) bottom-up processing پردازشی است که از درون داد محرک نشأت می‌گیرد.

brainstorming

بارش مغزی

فنی که درصدد افزایش دادن نظرات خلاق با تشویق کردن اعضاء گروه به صحبت کردن آزاد بدون انتقاد از همکاری‌های خود یا سایرین است.

brainwashing

شستشوی مغزی

متقاعدسازی اجباری که هدف آن تغییر باورهاست.

brand loyalty

وفاداری به کالایی خاص

میزان نگرش مثبت یک مشتری نسبت به یک کالای خاص، میزان تعهد او به آن و تمایل او به ادامه خریداری آن است.

broaden-and-build theory

نظریه وسعت بخشیدن و ساختن

نظریه ای که معتقد است هیجانهای مثبت سبب گسترش توجه و تمرکز فرد می‌شوند.

buffering effect

اثر حائل

پدیده ای که در آن داشتن یک منبع مشخص یا کیفیت مثبت، از فرد در مقابل اثر زیان آور رویداد پرتنش محافظت می‌کند.

bullying

زورگویی

یک الگوی رفتاری که در آن فرد به عنوان هدف پرخاشگری مکرراً از سوی یک یا بیش از یک فرد دیگر انتخاب می‌شود. فرد آماج (قربانی) عموماً از کسانی که دست به پرخاشگری می‌زنند (زورگوها) توان و قدرت کمتری دارد.

bystander effect

اثر ناظر

این واقعیت که احتمال رخ دادن یک پاسخ جامعه پسند در یک موقعیت اضطراری تحت تأثیر تعداد ناظران حاضر در آن موقعیت قرار می‌گیرد.

C, c

Cannon-Bard theory of emotion نظریه کنن- بارد درباره هیجان

نظریه ای که معتقد است محرکهای هیجانی، تالاموس را فعال می‌کنند که آن نیز به نوبه خود سبب فعالسازی قشر مخ می‌شود که حاصل آن ایجاد هیجان تجربه شده است و هیپوتالاموس و دستگاه عصبی خودکار نیز برانگیختگی فیزیولوژیکی را ایجاد می‌کنند.

capacity for change ظرفیت برای تغییر

به مرحله فعال خودتنظیمی و نیروی اراده اتلاق می‌شود.

capacity to delay gratification ظرفیت برای کامرواسازی تأخیری

به توانایی فداکاریهای آنی برای دریافت پاداشهای بعدی اتلاق می‌شود.

care ethic اخلاق مراقبت

یک جهت‌گیری در عدالت و اخلاق که بر حفظ و نگهداری روابط تأکید می‌ورزد. بر این اساس، معماهای اخلاقی با تأکید بر رفاه دیگران حل می‌شوند.

categorization طبقه‌بندی (مقوله‌بندی)

به فرآیند طبقه‌بندی اشیاء یا افراد به عنوان اعضاء یک گروه یا طبقه، مشابه سایر اعضاء آن گروه یا طبقه و متفاوت از اعضاء گروهها یا طبقات دیگر اتلاق می‌شود.

catharsis hypothesis (تخلیه هیجانی) فرضیه پالایش
این دیدگاه که فراهم کردن فرصت ابراز تکانه های پرخاشگرانه در راههای نسبتاً سالم، تمایل افراد پرخاشگر را به بروز شکلهای زیان آورتر پرخاشگری کاهش می دهد.

central route (to persuasion) (به متقاعدسازی) مسیر مرکزی
به تغییر نگرش حاصل از پردازش نظام مند اطلاعات ارائه شده در پیامهای ترغیب کننده گفته می شود.

central traits صفات اصلی
صفاتی که بر برداشتهای کلی، اعمال نفوذ زیادی می کنند و ما را به فرض وجود سایر صفات وادار می کنند.

certainty effect اثر یقین
بها دادن بیشتر به نتایج قطعی در برابر احتمالات در فرآیند تصمیم گیری.

challenge for cause مبارزه برای مسبب
درخواست وکیل مبنی بر اینکه نام عضو بالقوه هیئت منصفه از صورت اسامی اعضای هیئت منصفه به علت سوگیری او و ناتوانی او برای قضاوت منصفانه حذف شود.

change of venue تغییر محل تشکیل دادگاه
انتقال محاکمه به مکان جدیدی که تبلیغات پیش از محاکمه در مورد آن کمتر صورت گرفته است.

channel of communication مسیر ارتباطی
به راه انتقال پیام به صورتهای چهره به چهره، نوشتاری، فیلم یا به طرق دیگر اتلاق می شود.

classical conditioning شرطی سازی کلاسیک
شکلی اساسی از یادگیری که در آن یک محرک که در آغاز خنثی بوده است، از طریق همراه شدن مکرر با محرک دیگر قابلیت برانگیختن واکنش را پیدا می کند. به عبارت

دیگر، یک محرک نشانه ای برای ارائه یا وقوع محرک دیگر می شود.

classroom-based environmental education

آموزش محیطی مبتنی بر کلاس درس

رویکرد سنتی که بر فراگیری دانش و مهارت‌های مرتبط با نظارت بر مشکلات محیطی و افزایش حس مسئولیت مدنی تأکید می کند.

clinical psychology

روان شناسی بالینی

شاخه ای از علم روان شناسی است که بر اختلال‌های رفتاری و سایر اشکال بیماری روانی و چگونگی درمان آنها تمرکز می کند.

close friendship

دوستی نزدیک

رابطه‌ای که در آن دو شخص زمان زیادی را با هم می گذرانند، در موقعیتهای گوناگونی با هم در تعامل هستند و برای یکدیگر حمایت عاطفی متقابل فراهم می کنند.

cocktail party phenomenon

پدیده میهمانی شلوغ

وقتی در این میهمانی حضور دارید، مثلاً می توانید از میان مکالمه دیگران نام خود را تشخیص دهید، ولو اینکه به آن توجه نکنید. این پدیده نشان می دهد که صداهای نامربوط نیز به طور سطحی پردازش می شوند.

cognition

شناخت

به عملکردهای ذهنی نظیر توانایی فکرکردن، استدلال و به خاطر آوردن در علم روان شناسی اتلاق می شود.

cognitive algebra

جبر شناختی

جایی که کلیه اطلاعات مربوطه بر اساس بارز بودن و ارزش خود سنجیده می شوند و برای خاتمه دادن به یک ارزیابی کلی (مثلاً، ارزیابی شیء نگرش) محاسبه صورت می گیرد.

ارزیابی شناختی

cognitive appraisal

فرآیندی ذهنی است که به وسیله آن افراد برآورد می‌کنند که آیا یک تقاضا بهزیستی آنها را تهدید می‌کند و یا اینکه آنها منابع لازم جهت برآورده ساختن آن تقاضا را در اختیار دارند یا خیر.

هماهنگی شناختی

cognitive consistency

تمایل افراد به وجود همخوانی یا هماهنگی میان شناخته‌های مختلف به ویژه باورها، ارزشها و نگرشهایشان هماهنگی شناختی می‌گویند. یکی از نظریه پردازان مهم این رویکرد فریتس هایدر می‌باشد.

کنترل شناختی

cognitive control

حسی که افراد درباره پیش بینی پذیری و کنترل پذیری موقعیت خود دارند.

مقابله شناختی

cognitive coping

نظریه‌ای که معتقد است باورها در کمک کردن به افرادی که با بدشانسی‌ها مقابله می‌کنند یا از آن بهبود می‌یابند، نقش اصلی ایفا می‌کنند.

نظریه ناهماهنگی شناختی

cognitive dissonance theory

براساس این نظریه، اگر افراد درک کنند که شناخته‌هایشان به لحاظ روان شناختی با رفتارشان متناقض می‌باشد، تنشهای روان شناختی ناخوشایندی را تجربه خواهند کرد (ناهماهنگی). ناهماهنگی افراد را بر می‌انگیزد تا راهی جهت کاهش آن بیابند. این نظریه توسط لئون فستینگر ارائه شد.

کشفه های شناختی

cognitive heuristics

میان بُرهای پردازش اطلاعات که ما را قادر می‌سازند تا قضاوت کنیم. این میان بُرها سریع، اما اغلب توأم با خطا عمل می‌کنند.

خست شناختی

cognitive miser

اصطلاحی که برای توصیف مقاومت افراد برای تفکر بیش از اندازه به کار می‌رود.

cognitive-neoassociation analysis تحلیل نوداعی - شناختی

دیدگاهی که معتقد است تجربه‌های ناخوشایند، عاطفه منفی ایجاد می‌کنند و این مسئله به نوبه خود تداعی‌های مرتبط با خشم و ترس را برمی‌انگیزد. پیامدهای هیجانی و رفتاری (حداقل تاحدی) منوط به پردازش شناختی سطح بالاتر هستند.

cognitive psychology روان‌شناسی شناختی

علم مطالعه فرآیندهای تفکر، نظیر نحوه عملکرد حافظه و توجه افراد است.

cognitive strategies راهبردهای شناختی

راهبردهایی هستند که شیوه پردازش اطلاعات فرد را هدایت می‌کنند تا کارکرد خاصی را فراهم کنند یا عملکرد افراد را بهبود بخشند.

cohesiveness پیوستگی (انسجام)

همه نیروهایی (عواملی) که باعث می‌شوند اعضاء گروه در گروه بمانند؛ همه عواملی که اعضاء گروه را به صورت یک مجموعه اجتماعی منسجم به هم پیوند می‌دهند.

collective guilt احساس گناه جمعی

هیجانی که وقتی تجربه می‌شود که مردم با اعمال زیانبار انجام شده به وسیله اعضاء گروه خودی علیه گروه بیگانه مواجه می‌شوند. احساس گناه جمعی وقتی بیشترین احتمال وقوع را دارد که اعمال زیانبار صورت گرفته ناموجه به نظر برسند.

collective identity هویت جمعی

خودپنداره مبتنی بر موقعیت فرد به عنوان عضوی از یک گروه اجتماعی نظیر خانواده، جامعه یا کشور. هویت جمعی قوی پیش‌بینی‌کننده توجه بیشتر به رفاه جمعی در مقابل نفع شخصی است.

collective representations بازنماییهای جمعی

اصطلاحی که توسط دورکیم برای بازنماییهای مشترک بین افراد مطرح شده است و در مقابل بازنماییهای منحصر به فرد (بازنماییهای فردی) قرار می‌گیرد.